علامه عدالتخواه

۳۱ مرداد فقیه، فیلسوف، متفکر و نویسنده بنام علامه محمدرضا حکیمی این مرزبان حریم توحید و نویسنده عدالت‌طلب درگذشت و در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد. محمدتقی ادیب نیشابوری، شیخ‌مجتبی قزوینی، سیدمحمدهادی میلانی و آقابزرگ تهرانی از استادان وی بودند. الحیاة، خورشید مغرب، بیدارگران اقالیم قبله، ادبیات و تعهد در اسلام، حماسه غدیر، سپیده باوران، سرود جهش‌ها، عقل سرخ و امواج غدیر بخشی از آثار اوست.

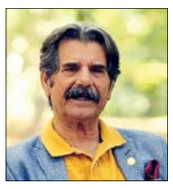

بازیگر خاطره‌ساز

عزت‌ا... مهرآوران، نمایشنامه‌نویس و بازیگر مسجدسلیمانی تئاتر، سینما و تلویزیون ۱۶ مهرماه بر اثر بیماری کرونا درگذشت. آژانس شیشه‌ای، مرد عوضی، سیب سرخ حوا و مومیایی ۳ ازجمله آثار سینمایی هستند که مهرآوران در آنها بازی کرده‌اند. او در آخرین حضور خود در یکی از آثار نمایشی، بازی خوبی در سریال «می‌خواهم زنده بمانم» به کارگردانی شهرام شاه‌حسینی از خود به یادگار گذاشت.

نیوشا ضیغمی در صحنه‌ای از سریال «بی‌نشان» / عکس: کیوان کشاکر

گفت‌وگو با نیوشا ضیغمی که پس از مدتی دوری دوباره به سینما و تلویزیون برگشته است

من بازیگر کمدی نیستم

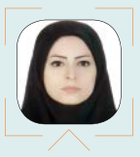

ساناز قنبری
سینما

این حس دلپذیر و ملاحتِ جاری در حال و هوای بهار و طراوتی که با مطلع نوروز ایرانی در رگ‌های آغاز سال می‌دود، چنان انگیزه‌بخش و دوست‌داشتنی است که لذت هر کاری را دو چندان می‌کند. انگار نفس مسیحایی در وجودت دمیده می‌شود. اصلا جور دیگری احوالت خوب است. می‌خواهی حسابی کیف بهار را ببری و اکسیژن ناب فروردین را تنفس کنی. بهترین‌ها را بنویسی، از پسندیده‌ترین‌ها صحبت کنی و زیباترین‌ها را تماشا کنی. همان «احسن الحال» معروف. درست مثل گفت‌وگوهای نوروزی که به سیاق مالوف هر ساله مطبوعات و رسانه‌ها، خط مشی و محتوایی به کل متفاوت از مصاحبه‌های معمول دارند. سبزی بهاری و تر و تازگی نوروزی، خواه‌ناخواه لحظه لحظه این دست گفت‌وگوها را رنگ‌آمیزی می‌کند. گفت‌وگوی عیدانه روزنامه جام جم با نیوشا ضیغمی هم دقیقا مصداق همین احوالات خوش بود. پر از حس‌های مطبوع، صحبت‌های جالب و شنیدنی و بعضا ناگفته‌های خبری دست‌اول و جذاب که خواندنش خالی از لطف نیست. ضیغمی هم مثل خیلی از ما ایرانیان، همیشه دل در گرو بهار داشته و دارد. می‌گوید: «سال شمسی را بسیار زیبا می‌دانم. چون آغاز آن مقارن با تولد دوباره طبیعت است که معنایی خوشایند دارد؛ این که بعد از هر خزان و سردی، شکفتن و تازه‌شدن در راه است». ضیغمی حتی در این مصاحبه وعده می‌دهد که قصد دارد استمرار حضورش در کمدی‌های مفرح خانوادگی را قدری کمتر و در ادامه مسیر هنرپیشگی‌اش، فضاهایی متفاوت‌تر تجربه کند. تصمیمی که او در آستانه وقوع فصل تازه گرفته و بی‌تردید می‌تواند زوایای متمایزی از هنر بازیگری او را به نمایش بگذارد. البته عمده فعالیت‌های ضیغمی در سینما رقم خورده است و همین تداوم در دو دهه کار در سینما هم بوده که دو بار نامزدی دریافت جایزه سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر را بابت بازی در فیلم‌های «شوریده» (۱۳۸۳) و «حس پنهان» (۱۳۸۵) برایش به ارمغان آورده. او اما این روزها مشغول بازی در مجموعه‌ای تلویزیونی به نام «بی‌نشان» در نقش زنی به نام فریده به کارگردانی راما قویدل و تهیه‌کنندگی مرتضی رزاق‌کریمی است. یک درام ایرانی پر فراز و نشیب که در ۳۰ قسمت، برای پخش از یکی از شبکه‌های سیما در دست تولید است تا در سال پیش رو، روی آنتن برود. او در گفت‌وگویی صمیمانه با جام جم، از خاطراتش با مضمون بهار و ذوق‌زدگی‌ها و شگفتانه‌هایش در نوروز گفت.

نوروز امسال را کجا و مشغول چه کاری هستید؟

واقعیتش امسال کمی برنامه‌هایم به هم ریخته است و تا همین الان که یک هفته به شروع سال جدید مانده، سر فیلمبرداری سریالی هستم که احتمالا تا پایان امسال هم ادامه دارد. به همین خاطر چون معلوم نیست این پروژه تا آخر سال تمام می‌شود یا نه، هنوز نمی‌دانم تعطیلات نوروز را چه خواهم کرد اما اگر تمام شد قطعا به سفر می‌روم.

سر فیلمبرداری کدام سریال هستید؟

سریال بی‌نشان به کارگردانی راما قویدل و تهیه‌کنندگی مرتضی رزاق‌کریمی که قرار است از یکی از شبکه‌های سیما پخش شود.

اگر فیلمبرداری این سریال تمام نشد و ایام نوروز را تهران ماندید، تهران‌گردی هم می‌کنید؟

بله. خیلی هم برایم لذت‌بخش است. اتفاقا چند روز پیش با کسی مشغول صحبت بودم و می‌گفتم ما به قدری از شهر خودمان غافل هستیم که اصلا آن را نمی‌شناسیم. خاطرم هست یک بار با یک اصفهانی درباره داخل کاخ عالی قاپو صحبت می‌کردم که گفت من تا حالا عالی قاپو نرفته‌ام. خیلی تعجب کردم و گفتم مگر می‌شود! و او گفت خب آره و من ناخودآگاه به خودم فکر کردم که من هم خیلی از اماکن تاریخی و تفریحی تهران را نرفته‌ام. به همین دلیل اگر ایام نوروز را تهران ماندیم، حتما تهران‌گردی را در اولویت‌هایم قرار می‌دهم.

چیدن هفت‌سین یکی از جذاب‌ترین و مطلوب‌ترین کارها برای فرارسیدن نوروز است. شما هفت‌سین‌تان را خودتان آماده می‌کنید؟

از بچگی تا امروز نزدیک سال تحویل که می‌شود هیجان چیدن سفره هفت‌سین را دارم. اساسا مراسم نوروزی مانند هر مراسم و آیین دیگر در فرهنگ ایران برایم اهمیتی فوق العاده دارد. سال شمسی را اساسا بسیار زیبا می‌دانم. چون آغاز آن مقارن با تولد دوباره طبیعت است که معنایی خوشایند دارد؛ این که بعد از هر خزان و سردی، شکفتن و تازه شدن در راه است. یک انسان می‌تواند این معنا را در تمام ابعاد زندگی‌اش ببیند. این که هیچ‌وقت سختی، تاریکی و بدی‌ها دوام ندارند و اگر ما خودمان را در سختی‌ها نبازیم، آمدن نور و روشنایی را می‌بینیم. به همین خاطر نوروز را عاشقانه دوست دارم و عاشقانه به برگزاری مراسمش پایبندم. حتی بسیاری از کارهای سفره هفت‌سین را خودم انجام می‌دهم.

یعنی سبزه را خودتان می‌گذارید یا تخم‌مرغ رنگ می‌کنید؟

بله، دقیقا. مخصوصا که الان یک دختر کوچک دارم و دلم می‌خواهد از همین کودکی با فرهنگ ایرانی آشنا و بزرگ شود و به آنها پایبند بماند.

نسبت به سنت‌های دیگری مانند چهارشنبه‌سوری و مراسمی مانند قاشق‌زنی که در این شب به خصوص در قدیم رواج داشت، هم به همین اندازه اعتقاد دارید؟

بله، کاملا مراسم قاشق‌زنی را به یاد می‌آورم. نمی‌دانم این رسم را غرب به تبعیت از فرهنگ غنی شرق تقلید کرده یا بالعکس. در جشن‌هالووین هم کودکان کاسه و قاشق به دست می‌گیرند و مراسمی را اجرا می‌کنند که به مراسم قاشق‌زنی ایرانیان در مراسم چهارشنبه‌سوری بسیار شبیه است. کودکان به در خانه‌ها می‌روند و با زدن قاشق بر کاسه‌های خود، صاحب خانه را مطلع می‌کنند. بعد صاحب خانه آجیل، آبنبات یا خوراکی‌های دیگری را که آماده کرده در کاسه کودکان می‌ریزد و آنها روانه خانه دیگری می‌شوند. خاطرم هست زمانی‌که کودک بودیم مادرم سر ما چادر می‌کرد و ما به خانه همسایه‌ها می‌رفتیم و آنها به ما خوراکی می‌دادند. رسم خیلی قشنگی بود که متاسفانه در حال فراموشی است. الان چهارشنبه‌سوری شبیه میدان جنگ شده. از چند شب قبل از چهارشنبه‌سوری بیمارستان‌ها، آتش‌نشانی و... آماده‌باش هستند و ما هر ساله در این شب کلی تلفات و زخمی داریم. ای کاش برنامه‌هایی تدارک دیده می‌شد که کودکان و نوجوانان امروزی با ریشه و آداب و رسوم واقعی چهارشنبه‌سوری و باقی آیین‌های ملی‌مان آشنا می‌شدند.

کمی هم به بازیگری بپردازیم. به نظر می‌رسد دنیای بازیگری برای شما دغدغه‌ای جدی است. چون مثل بعضی از بازیگران خیلی خودتان را مشغول حوزه‌های دیگر هنری مثل کارگردانی، عکاسی، موسیقی و... نکردید. چرا بازیگری اینقدر برایتان جدی است؟

بله، بازیگری برایم جدی است اما نمی‌دانم در آینده برای ورود به حوزه‌های دیگر هنر چه خواهم‌کرد. شاید روزی به حدی از علم و جهان‌بینی برسم که بخواهم فیلمسازی کنم اما الان به قدری بازیگری برایم مهم است که بعد از حدودا ۱۸ سال فعالیت، هنوز آن را دوست دارم. حتی دلم می‌خواهد دنیای جدیدی را در بازیگری کشف کنم. بازیگری به قدری مقوله‌ای وسیع و گسترده است که هر کس بخواهد در این حرفه ماندگار شود، می‌بایست خودش را دائم به روز کند، مطالعه کند، فیلم ببیند، تکنیک‌های جدید بازیگری روز دنیا را بشناسد و حتی درون خودش را مورد بازبینی قرار دهد که از واقعیت‌های زندگی عقب نماند. تمام این تلاش‌ها برمی‌گردد به این که یک بازیگر چقدر به کارش عشق می‌ورزد و برای آن زحمت می‌کشد. بر همین اساس دلم می‌خواهد در سال پیش رو یک نیوشای جدید در خودم پیدا کنم و نقش‌های متفاوت‌تر با حال و هوای دیگری نسبت به آنچه بیشتر از من دیده شده کار کنم. عمیقا نیاز دارم فضای جدیدی را تجربه کنم.

بازیگر خیلی پرکاری هم نیستید.

به هر حال هر بازیگری در کارنامه کاری‌اش کار خوب و بد دارد اما همیشه سعی کرده‌ام هر نقشی را با عشق انتخاب کنم، دوستش داشته‌باشم و برای آن ارزش قائل شوم. یعنی نقشی نباشد که صرفا برای این که بیکار نباشم آن را قبول کنم. بعضی از همکارانم مجبورند نقش‌هایی بازی کنند که دوست ندارند اما نمی‌دانم شاید خدا مرا دوست داشت که موقعیت این را داشتم تا جایی که شد نقش‌هایم را انتخاب کنم. البته همیشه همه چیز کنار هم قرار نمی‌گیرند ولی در نهایت نقش‌هایی را انتخاب کردم که دوست داشتم.

شما عمدتا در کارهای کمدی حضوری پررنگ داشتید. در این سال‌ها حضور و تداوم‌تان در این ژانر به چه شکلی بود؟

کمدی‌هایی که کار کردم بیشتر طنزهای موقعیت بوده نه کمدی محض. به عبارتی کار اجتماعی یا فانتزی بوده اما یک لایه طنز هم داشته‌است. می‌خواهم بگویم خودم را بازیگر کمدی نمی‌دانم. چون کمدی ژانری است که بازی در آن بسیار مشکل است. بازیگرانی که کمدی محض بازی می‌کنند معمولا یک تیپ خاص دارند و شاید خودم هم نمی‌توانم از عهده‌اش برآیم. با این که خودم را بازیگری رئال می‌دانم اما در کارهایی که لایه‌های طنز داشته و من در آنها بازی کردم، مخاطب ارتباط بسیار خوبی با آنها پیدا کرده‌است؛ مخصوصا الان که مردم تحت فشارهای اقتصادی شدید هستند، دوست دارند زمانی‌که به سینما می‌روند ساعتی را فارغ از مشکلات و گرفتاری‌ها سرگرم شوند. بنابراین این آثار مخاطبان زیادی داشته که دلیلی بر تداوم من در این ژانر هم محسوب می‌شود.

معمولا در سینما و تلویزیون این‌طور است که وقتی بازیگری در نقشی اصطلاحا گل می‌کند، پیشنهادهایی بیشماری شبیه آن نقش به سمتش سرازیر می‌شود. شما هم با این مشکل مواجه بوده‌اید؟

بله، خیلی زیاد و همان‌طور که گفتم قصد دارم در سال جدید دست به انتخاب‌های جدید بزنم و دنیای دیگری را تجربه کنم.

این مشکل از کجاست؟

از اینجاست که در سینمای ما کارگردانان نمی‌خواهند ریسک کنند.

و این در حالی است که خیلی از بازیگران توانایی بازی هم در فیلم‌های تراژدی و هم کمدی را دارند و اتفاقا بسیاری از بازیگران کمدی مانند سعید آقاخانی، امین حیایی، جواد عزتی و... در ایفای نقش‌های جدی خوش درخشیدند و مخاطب را شگفت‌زده کردند....

دقیقا و البته برعکسش هم موفق بوده. به عنوان مثال پرویز پرستویی در کارنامه حرفه‌ای اش هم «آژانس شیشه‌ای» را بازی کرده هم «مومیایی ۳» را. خب چه اشکالی دارد؟ یک بازیگر نه تنها برای خودش بلکه باید برای ایجاد تنوع در نگاه بیننده هم که شده در سبک‌های مختلفی بازی کند.

پیرو تغییر و تحولات کاری که برای ادامه فعالیت‌هایتان در نظر دارید، آیا به تازگی بازی در قصه‌های متفاوت و ژانری خاص هم به شما پیشنهاد شده؟

بله. واقعا دیگر دوست نداشتم کار تکراری انجام دهم. مردم معمولا نیوشا ضیغمی‌را در شمایل یک زن امروزی از طبقه مرفه جامعه دیده‌اند اما از نیمه‌های همین سال بود که یکی دو پروژه با حال و هوای متفاوت و کاملا دور از فضاهای کارهای قبلی ام به من پیشنهاد شد که الان مشغول کار روی فیلمنامه‌های آن هستند.

در میان کارگردان‌های مختلفی که با آنها کار کردید، احساس می‌کنید کدام یک ذوق و طراوت بیشتری در کارشان داشتند؟

خوشبختانه شانس همکاری با کارگردانان بسیار خوبی را طی این سال‌ها داشتم اما شروع کارم را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. سریال در چشم باد و مسعود جعفری جوزانی که بسیار از او آموختم. ایشان فضای فکری متفاوتی داشتند که من همواره برای شیوه کارشان احترام زیادی قائل هستم و البته بسیاری از کارگردان‌هایی که با آنها همکاری داشته‌ام هم هر کدام ویژگی‌های خاص به خودشان را داشتند.

شما برای کسانی که می‌خواهند وارد دنیای بازیگری شوند چه توصیه‌ای دارید؟

خیلی‌ها علاقه‌مند بازیگری هستند و در کوچه و خیابان و هر مکانی که به ما می‌رسند، این علاقه را ابراز می‌کنند و من همیشه پیش از هر چیز می‌گویم بازیگری شغلی بسیار جدی است. بعضی‌ها می‌گویند مگر بازیگرها چه کار می‌کنند! می‌روند جلوی دوربین چهارتا دیالوگ می‌گویند و برمی‌گردند خانه. اصلا این‌طور نیست. یک بازیگر باید روان‌شناس، جامعه‌شناس، تحلیلگر و... باشد و خودش را به روز نگه دارد. بنابراین توصیه می‌کنم علاقه‌مندان به بازیگری با علم و آگاهی وارد این حوزه شوند. ممکن است یک نفر را بگیرند و اتفاقی به سینما پرت کنند، مثل ریحانه پارسا اما انتهایش چه می‌شود؟ خیلی متاسف می‌شوم وقتی این دختر جوان انتخابش می‌شود زندگی‌ای که الان دارد. چرا چنین می‌شود؟ چون این افراد درایتی را که باید می‌داشتند، نداشتند و زود صاحب جایگاهی شدند که درکی از آن نداشتند. مثل این می‌ماند یک ماشین ۱۲ سیلندر را بدهید به یک بچه پنج ساله که رانندگی کند! خب، می‌رود داخل دیوار. چون اصلا رانندگی بلد نبوده که پشت فرمان نشسته. با علم و آگاهی وارد هر رشته‌ای شدن و بعد پله پله و باتجربه بالا رفتن، ظرفیت لازم را برای کسب موفقیت در هر انسانی ایجاد می‌کند.

و در پایان دعای تحویل سال شما چیست؟

من همیشه هنگام تحویل سال برای خودم و خانواده‌ام آرزوی سلامت، آرامش و دلخوشی می‌کنم. امیدوارم سال جدید همه مردم از اتفاقات بد دور باشند و به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در شرایطی بهتر زندگی کنند.

بهترین خاطره نوروز

قشنگ‌ترین خاطرات نوروزی‌ام به دوران کودکی‌ام برمی‌گردد. آن زمان جمع شدن در خانه مادربزرگ و آن شلوغی و هیاهو حس و حال دیگری داشت. خاطرم هست مادربزرگم (مادر پدرم) که امروز دیگر میان ما نیستند به تمام نوه‌هایشان تخم‌مرغ می‌دادند که رنگ کنیم و ما آنها را با چه عشقی رنگ می‌کردیم و کنار هم می‌چیدیم. آن‌روزها و بوی پول‌های نوی لای قرآنی که به ما عیدی می‌دادند، برایم فراموش نشدنی است. پولی که شاید به لحاظ مادی رقم بزرگی نبود اما ارزش معنوی‌اش برایم بی‌اندازه بود. امیدوارم روند رو به جلوی جوامع بشری و تبدیل یک انسان به انسانی شبه مدرن، جامعه را سمتی نبرد که سنت‌ها و آیین‌های نیاکان‌مان فراموش شود. چون زیبایی هر کشوری به اصالت و حفظ ارزش‌ها و سنت‌هایش است. برایم جالب است وقتی می‌بینم بعضی از خانواده‌های ایرانی جشن کریسمس و هالووین می‌گیرند اما از مراسم باستانی خودمان غافل هستند و این در حالی است که اگر از تاریخچه و آداب و رسوم و آیین‌های خودمان مطلع شویم، با تمام وجود به ایرانی بودنمان می‌بالیم. ما ایرانی هستیم و به اندازه کفایت در فرهنگ خودمان همه چیز داریم.

نسل سوپراستارها پیر شده‌اند

باید فکری به حال بحران کمبود بازیگر جوان بکنند. ما در دهه ۸۰ وارد عرصه بازیگری شدیم اما بعد از نسل ما به خصوص در خانم‌ها بازیگر به اصطلاح ستاره خیلی کم وارد این حوزه شد. سوال شما را می‌توانم از این منظر جواب بدهم که همه چیز به خود شخص بازیگر برمی‌گردد. مردمک چشم من هیچ‌وقت نمی‌تواند دروغ بگوید. تجربه سال‌ها زندگی و بالا و پایین‌هایش در مردمک چشم من نهفته است. هر چند همه بیایند و بگویند سن تو بهت نمی‌یاد و چقدر خوب ماندی و... نه، این‌طور نیست. حال درونی که یک انسان در هر مقطع سنی تجربه می‌کند، باری است که یک بازیگر همراه خودش در هر نقشی می‌برد. بنابراین یک بازیگر خودش نباید نقشی را که نامتناسب با ویژگی‌های سنی اش است، بپذیرد. برای خود من هم که در واقعیت ۴۰ ساله و صاحب فرزند هستم، سخت است بخواهم نقش دختری بیست و چند ساله را بازی کنم که مثلا به خواستگاری اش می‌آیند و... من که نمی‌توانم خودم به خودم دروغ بگویم. ضمن این که برای مخاطب هم چنین انتخاب بازیگرهایی باورپذیر نیست. اسم نمی‌برم اما در همین چند سال اخیر سریالی از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شد که انتخاب بازیگرش اشتباه بود. خود من وقتی به عنوان مخاطب این سریال را می‌دیدم خنده‌ام می‌گرفت که فلانی چه فکری پیش خودش کرده که با آن سن، نقش یک جوان بیست و چند ساله را بازی کرده. از سوی دیگر در هر فضای اجتماعی هم که قرار می‌گرفتم آدم‌های عام جامعه که فکر می‌کنند بازیگرها دائم با هم در تماس هستند، به من می‌گفتند چرا فلانی در آن سریال در آن نقش بازی کرده! چنین انتخاب‌هایی اشتباه است. شما فرض کنید به من پیشنهاد بازی در نقش زنی لات و چاقوکش را بدهند. خب اگر من بازی در این نقش را بپذیرم اشتباه کردم. چون خودم می‌دانم حتی اگر خودم را هم بکشم، با ماهیتی که دارم نمی‌توانم این نقش را جزء به جزء و دقیق مانند ما به‌ازاهای واقعی اش بازی کنم. نه تنها من بلکه هر بازیگری در جهان بدن، بیان، فیزیک و... خاص خودش را دارد و نقش‌های گوناگونی که بازی می‌کند تا حدی است که فیزیک و ماهیتش اجازه می‌دهد. الان من اگر نقش یک دختر دبیرستانی را بازی کنم به من نمی‌خندند؟ خب خودم نباید قبول کنم. این هوشمندی یک بازیگر است که چه نقشی را انتخاب می‌کند.

۷۰۰۰۰۰
تومان
...م به تومان، مربوط است ...ت هر بند کاغذ تحریر که در ...ی با افزایش‌های شدید همراه ...ی روند نگران‌کننده همچنان

۴۲
میلیارد
فروش فیلم گشت ۳ به کارگردانی سعید سهیلی به تومان. این فیلم با بازی ساعد سهیلی، امیر جعفری، بهنام بانی و پولاد کیمیایی همچنان روی اکران است و فروش آن بیشتر هم خواهد شد.

۶۰۰۰
میلیارد
این عدد خیره‌کننده به ریال، میزان تسهیلات حمایتی است که صندوق اعتباری هنر امسال به اصحاب هنر، فرهنگ و رسانه پرداخت کرده است. امسال ۴۶۰۰ هنرمند برای عضویت به تأمین اجتماعی معرفی شده‌اند.

۱۰۰
سالن
تعداد سالن‌های سینما که امسال به سالن‌های موجود در سطح کشور اضافه شد. مؤسسه سینماشهر نیمه اسفند ۱۴۰۰ در مراسمی که در موزه سینما برگزار شد، از این سالن‌های سینما در راستای عدالت فرهنگی رونمایی کرد.

۱۴۲
میلیون
تعداد بینندگان خانگی که مجموعه موفق «بازی مرکب» را از طریق پلتفرم اختصاصی نتفلیکس تماشا کرده‌اند. البته تماشاگران این سریال در جهان بسیار بیشتر از این میزان است.

۳
میلیارد
نمایش «بلک تو بلک» به نویسندگی و کارگردانی سجاد افشاریان با فروشی بیش از سه میلیارد تومان، رکورد خوبی از خود به‌جای گذاشت و در ایام نوروز هم در پردیس تئاتر شهرزاد همچنان روی صحنه خواهد بود.